



## آماده باش برای ایران در آستانه هسته‌ای شدن

Henry Sokolski and Patrick Clawson, *Getting Ready a Nuclear - Ready Iran*,  
The Strategic Studies Institute, October 2005, 355.pp

### مقدمه

کتاب «آماده باش برای ایران در آستانه هسته‌ای شدن»، آخرین بررسی‌های راهبردی مهمترین متخصصان مسأله هسته‌ای با تأکید بر مورد ایران می‌باشد. کتاب حاصل آخرین یافته‌های مراکز مختلف راهبردی آمریکا در طی دو سال اخیر است که پیرو گزارش پیشین مرکز آموزش سیاستگذاری عدم گسترش، با عنوان «جلوگیری از بلندپروازی هسته‌ای ایران» آماده شده است. مفروضه مهم کتاب این گزاره کلیدی است که با توجه به اصرار ایران برای تکمیل سریع چرخه سوخت در داخل، این کشور به زودی قادر به ساخت سلاح هسته‌ای خواهد بود. بنابراین نویسندگان درصدد پاسخ به این پرسش‌اند که در این شرایط چه اقدامات احتیاطی و اطمینان‌بخشی باید انجام گیرد؟

نکته قابل توجه این است که تمامی زوایای برنامه هسته‌ای ایران در این مجموعه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. تمایل ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، تغییر معادلات منطقه‌ای، افزایش گرایش به سلاح هسته‌ای در خاورمیانه، نحوه بازیگری اتحادیه اروپا، روسیه و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و راهکارهای پیش‌روی آمریکا، از جمله این زوایا هستند. هدف کتاب ضمن پرداختن به زوایای مختلف بحث پرونده هسته‌ای ایران، هشدار به

کشورهای منطقه و جهان برای دستیابی به اقدامی همسو در قبال آن است، زیرا پرداختن به برنامه هسته‌ای ایران با دو معمای جدی مواجه خواهد بود. معمای اول اینکه در شرایط کنونی اقدام نظامی علیه ایران همانند عراق و افغانستان، با توجه به قابلیت‌های منطقه‌ای آن نسبت به دیگر کشورهای منطقه، ممکن نیست و در شرایط عادی نیز با پیامدهای متعددی در منطقه و جهان همراه خواهد بود. بنابراین از یک سو، ایران در عین ادامه سیاست‌های پیشین خود در قبال آمریکا، بر برنامه هسته‌ای خود نیز اصرار دارد و از سوی دیگر، نه برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان از طریق نظامی بازداشت و نه بر اساس مقررات آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، بازدارندگی ایران ممکن است.

معمای دوم نیز این است که در صورت وارد شدن ایران به باشگاه کشورهای هسته‌ای، مسابقه بی‌پایان برنامه‌های هسته‌ای در خاورمیانه بزرگ شکل خواهد گرفت و این امر معادلات منطقه‌ای را که در حال گذار از دوره جنگ سرد است، به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. در اینجا ضمن بررسی محورهای کتاب، نحوه برخورد آمریکا با این دو معمای جدی و در نهایت چگونگی مدیریت مناسب جمهوری اسلامی در این شرایط مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۱. چالش‌های ناشی از ایران هسته‌ای

متخصصان این کتاب بر این باورند که در صورت دستیابی ایران به چرخه سوخت داخلی، ۱۲ تا ۴۸ ماه یعنی یک تا چهار سال طول می‌کشد تا این کشور به بمب هسته‌ای دست یابد (صص ۵ و ۱۰). بر این اساس جمهوری اسلامی برای رسیدن به این قابلیت، راهبرد سه‌مرحله‌ای را در دستور کار قرار داده است: دستیابی به سوخت هسته‌ای غیرنظامی بومی (ص ۲۸۶)، استفاده از توان هسته‌ای در چانه‌زنی‌ها برای افزایش موقعیت منطقه‌ای خود (ص ۲۹۷) - چه ایران پس از انقلاب اسلامی به واسطه سیاست‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه از جایگاه مناسب با توجه به مؤلفه‌های قدرت خود، برخوردار نبوده است - و در نهایت ایران به تدریج به سوی بمب هسته‌ای گام خواهد گذارد (ص ۲۸۸). البته گام‌نهادن به این مرحله، بستگی زیادی به این امر دارد که برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران، تا چه میزان اهداف منطقه‌ای آن را تأمین نماید.

آمریکا و متحدانش بر این نظرند که دستیابی ایران به توان هسته‌ای حتی از طریق قانونی و بر اساس مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سه چالش جدی را در پی دارد. اول آنکه باعث گسترش توان هسته‌ای در خاورمیانه می‌شود (صص ۱-۲) و کشورهای همسایه ایران نظیر عراق، عربستان سعودی، مصر، سوریه، ترکیه، اسرائیل و حتی الجزایر به دنبال ترمیم موقعیت دفاعی و امنیتی خود خواهند بود. این اقدام باعث افزایش تصاعدی مسابقه هسته‌ای در خاورمیانه خواهد شد؛ زیرا افزایش توان اسرائیل، کشورهای سوریه، مصر و عربستان را به تکاپو می‌اندازد و در مقابل، افزایش توان این کشورها، اسرائیل و ترکیه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در نتیجه خاورمیانه وارد رقابت هسته‌ای بی‌پایانی می‌شود که نه برای کشورهای منطقه و نه منافع آمریکا در منطقه و نه صلح و امنیت بین‌المللی مناسب نیست. دوم آنکه افزایش موقعیت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه، باعث افزایش چشمگیر قیمت نفت خواهد شد. (ص ۲) کاهش وابستگی داخلی به انرژی فسیلی به واسطه بومی‌کردن توان هسته‌ای و استفاده از موقعیت هسته‌ای در چانه‌زنی‌های منطقه‌ای توسط ایران به عنوان یکی از مهمترین کشورهای دارنده نفت و گاز جهان، در کنار وابستگی رو به افزایش آمریکا و اروپا و آسیای دور به نفت خاورمیانه و خلیج فارس برای اقتصاد جهانی نگران‌کننده خواهد بود و سوم آنکه با توجه به سیاست‌های ایدئولوژیک ایران، دستیابی به توان هسته‌ای، به ابزاری برای افزایش هراس‌پروری در خاورمیانه و کاهش آزادی عمل آمریکا در آن تبدیل خواهد شد. (ص ۲)

## ۲. ایران هسته‌ای و نوسانات معادلات امنیتی خاورمیانه

ریچارد راسل در فصل دوم کتاب به پاسخ‌های امنیتی کشورهای عربی به ایران هسته‌ای می‌پردازد. به نظر وی ابتدا در میان روشنفکران اعراب این باور وجود داشت که ایران هسته‌ای به همراه پاکستان هسته‌ای، نوعی موازنه را در قبال حضور آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه ایجاد خواهد کرد؛ (ص ۲۶) اما اکنون این باور شکل گرفته که از نظر راهبردی خطرات بسیاری برای کشورهای عربی در پی خواهد داشت. عراق به عنوان دیگر اهرم تعادل‌بخشی منطقه، احتمالاً مجبور به ادامه فعالیت نظامی خود با آمریکا خواهد شد و نیروهای سه‌گانه به‌ویژه

نیروی هوایی‌اش را تجهیز خواهد کرد. (ص ۳۰) گرایش ترکیه به توان هسته‌ای متعاقب ایران، عراق را با چالش امنیتی جدی‌تری در منطقه مواجه می‌سازد. (ص ۳۱)

عربستان نیز که در عین داشتن رابطه مناسب با ایران، در مورد مرکزیت ایدئولوژیک منطقه‌ای و رهبری جهان اسلام با آن رقابت دارد، (ص ۳۱) از تغییر معادلات امنیتی منطقه به شدت متحول خواهد شد و برای این کار احتمالاً به دنبال «اجاره»<sup>۱</sup> سلاح‌های هسته‌ای از چین و پاکستان باشد. (این امر تا مادامی که سلاح‌های مستقر در عربستان تحت کنترل چین و پاکستان است، مطابق مقررات ان.پی.تی است.) (ص ۷)

کشورهای شیخ‌نشین خلیج فارس و به‌ویژه امارات متحده عربی به شدت از ایران هسته‌ای نگرانند. امارات به‌رغم خرید تجهیزات بسیار پیشرفته از فرانسه و آمریکا، موشک اسکاد از کره شمالی و میراژهای فرانسوی، هیچ‌گاه رضایت امنیتی مناسبی نداشته است. دستیابی ایران به توان هسته‌ای، امکان هرگونه چانه‌زنی این کشور در مورد جزایر سه‌گانه را متفی می‌سازد. (ص ۳۵) در عین حال، کشورهای عربی خلیج فارس به دنبال همکاری بیشتر با آمریکا خواهند بود، زیرا خاطره تجارت کویت می‌تواند الگوی مناسبی برای آنها در مقابل ایران باشد.

سوریه ممکن است در بدو امر از ایران هسته‌ای استقبال نماید؛ اما به واسطه تجهیز بیشتر اسرائیل و ترکیه در قبال ایران، در بلندمدت ضرر خواهد کرد و مجبور است موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود بخشد. این کشور پس از فروپاشی شوروی وضعیت نظامی نامناسبی دارد و شاید گرایش به برنامه هسته‌ای، راه حل مناسبی برای تداوم موقعیت منطقه‌ای مورد نظرش باشد. (ص ۳۷)

بنابراین برنامه هسته‌ای ایران دو واکنش متفاوت را در بین کشورهای عربی پدید می‌آورد و از یک سو، افزایش خرید ادوات نظامی پیشرفته و گرایش به سمت هسته‌ای شدن و از سوی دیگر، حضور امنیتی و نظامی آمریکا و احتمالاً نفوذ بیشتر ناتو را در پی خواهد داشت.

ایان لسر در فصل چهارم کتاب به موضع ترکیه در قبال ایران اشاره می‌کند. ترکیه به واسطه ۵۰ سال همسایگی با یک قدرت هسته‌ای، همیشه نسبت به خطرات سلاح‌های کشتار جمعی نگران بوده است. گسترش این سلاح‌ها و موشک‌های دوربرد در منطقه به‌ویژه توسط روسیه از

دهه ۱۹۹۰ به بعد، باعث افزایش این نگرانی در میان سیاستمداران ترک شده است. ترکیه با پذیرفته شدن در اتحادیه اروپا، نه فقط موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود خواهد بخشید، بلکه بسیاری از عوارض امنیتی را از بین خواهد برد. (ص ۹۰) در عین حال، ویژگی‌های امنیتی این کشور در مورد خطرات منطقه‌ای شامل تقویت بسیار جدی تسلیحات نظامی متعارف، رابطه وسیع با ناتو، افزایش ساختار نیروهای نظامی مدرن و گسترش ظرفیت اعمال قدرت در فراتر از مرزها خواهد بود. (ص ۹۲ - ۹۱)

ترکیه هیچ‌گاه با ایران مسأله جدی امنیتی، مرزی و نظامی نداشته است؛ اما نوع رابطه این دو کشور در آینده متأثر از چهار مؤلفه جدی خواهد بود: احتمال مقابله مستقیم با ایران، نوع برداشت ترکیه از برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، رابطه راهبردی این کشور با آمریکا، اروپا و اسرائیل در جریان برنامه هسته‌ای ایران و در نهایت، نفوذ بیرونی جدی بر تصمیم‌گیرندگان ترکیه در جریان برنامه هسته‌ای ایران (صص ۱۱۰ - ۱۰۸).

از سوی دیگر برنامه هسته‌ای ایران بیش از هر کشوری، اسرائیل را تحت تأثیر قرار خواهد داد. همانگونه که موساد اعلام نمود، برنامه هسته‌ای ایران، بزرگترین تهدید علیه موجودیت اسرائیل از زمان تأسیس این کشور در سال ۱۹۴۸، محسوب می‌شود. (ص ۲۹) شلومر بروم در فصل ششم به موضع اسرائیل در قبال مسأله هسته‌ای می‌پردازد و معتقد است که راهبرد اسرائیل همیشه جنگ پیش‌دستانه با دو محور هشدار اولیه و جنگ در سرزمین دشمن تا حد ممکن است. (ص ۱۳۳) به عبارت دیگر، اقدام اسرائیل در شرایط خطر هسته‌ای همانند مورد اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۲ و در راستای جنگ پیش‌دستانه، نیازمند درک آستانه هسته‌ای شدن دشمن، پیش‌بینی عملیات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای، درست‌بودن اقدام پیش‌دستانه حتی بدون حمایت بین‌المللی است. (صص ۱۴۰ - ۱۳۹) بنابراین اسرائیل به وسعت و احتمال تهدید هسته‌ای توجه دارد. (صص ۱۴۵ - ۱۴۱)

در مورد ایران، دو برداشت بسیار مهم در ساختار قدرت اسرائیل وجود دارد. یک نگرش که عمدتاً مرتبط با اعضای کنست نظیر افریم اسنه<sup>۱</sup> و جامعه اطلاعات نظامی اسرائیل است، ایران را دشمن ایدئولوژیکی می‌داند که به دنبال نابودی فیزیکی اسرائیل است. بنابراین ایده، به

دلیل آنکه تغییر رژیم در ایران به زودی ممکن نیست، پس تنها راه برای مقابله با ایران هسته‌ای، اقدام پیش‌دستانه است. نگرش دوم، ایران را کشوری پیچیده و سیاست‌های ایدئولوژیکی را تنها یکی از وجوه و مؤلفه‌های ساختار قدرت آن می‌داند. بنابراین برداشت ایدئولوژیکی ایران تابعی از منافع ملی و حفظ ملاحظات نظام سیاسی است. اگر سیاست ایران در قبال اسرائیل از رنگ و بوی ایدئولوژیک برخوردار است، این امر در راستای نفوذ این کشور در میان کشورهای عربی و کسب موقعیت رهبری در جهان اسلام توجیه می‌شود؛ در عین حال که به حفظ مشروعیت انقلابی نظام در داخل نیز کمک می‌کند. این نظر در موساد، جامعه اطلاعات خارجی اسرائیل، وزارت دفاع و شورای دفاع ملی غالب است. (صص ۱۴۶ - ۱۴۵)

اما اگر تحت هر شرایطی، اسرائیل در صدد اقدام پیش‌دستانه باشد، این امکان بدون حمایت آمریکا و کشورهای منطقه مقدور نخواهد بود. فاصله ۱/۵۰۰ تا ۱/۷۰۰ کیلومتری با ایران، افزایش اقدامات گروه‌های جهادی در منطقه علیه منافع آمریکا و اسرائیل، افزایش شدید قیمت نفت و عدم نابودی کامل تأسیسات ایران به دلیل پراکنده‌بودن آن، باعث شده تا هزینه اقدام بسیار بالا باشد. بنابراین در حال حاضر، اسرائیل ضمن پذیرش بازبودن تمام گزینه‌ها در مورد ایران، سیاست «منتظر باشیم تا چه خواهد شد»<sup>۱</sup> را دنبال می‌کند. (صص ۱۵۶ - ۱۵۰)

#### ۴. موضع اتحادیه اروپا و روسیه در قبال ایران هسته‌ای

ترزدلپک در فصل دوازدهم یعنی فصل آخر کتاب آورده است که هم اتحادیه اروپا و هم روسیه در مورد تهدید ایران و قصد آن از دستیابی به سلاح هسته‌ای شکی ندارند. (صص ۲۹۲ - ۲۹۷) اما در عین حال ایران این دو محور را مرکز تبادلات دیپلماتیک هسته‌ای خود قرار داده است. در این میان نقش روسیه به واسطه شریک اصلی امنیتی و نظامی ایران در منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است. دلپک بر این باور است که روسیه باید موقعیت خود را با تصویری که از ایران دارد، شفاف نماید و در مقابل، غرب و آمریکا نیز در صدد تأمین منافع همکاری روسیه در قبال ایران به گونه‌ای دیگر باشند. (صص ۲۹۷)

اتحادیه اروپا نیز با توجه به وضعیت مسأله هسته‌ای ایران، چند گزینه را پیش روی دارد. اول آنکه آمریکا را به مذاکرات وارد نماید. دوم آنکه به آمریکا در شورای امنیت ملحق شود و سوم آنکه دو طرف اقیانوس اطلس جداگانه عمل نمایند. (ص ۳۰۳) به نظر می‌رسد گزینه سوم، بهترین گزینه برای ایران باشد؛ اما اتحادیه اروپا و آمریکا در پی آنند که ایران به هیچ وجه از این گزینه استفاده نکند. در عین حال نوع رفتار ایران در جریان مذاکره با اروپا، احتمال گزینه اول را به شدت کاهش داده است. به رغم این وضعیت و با توجه به شرایط کنونی، حضور اتحادیه اروپا در راستای تنوع‌بخشی و چندجانبه‌گرایی پرونده ایران امر مهمی است که باید مورد توجه مقامات کشور ما قرار گیرد.

## ۵. ایران هسته‌ای و سیاست سد نفوذ آمریکا

سیاست آمریکا در خاورمیانه و به‌ویژه در مورد ایران، همچنان در فضای جنگ سرد باقی مانده است. آمریکا ایران را همانند اتحاد جماهیر شوروی در منطقه خاورمیانه می‌بیند که اختلاف ایدئولوژیکی با این کشور دارد؛ بنابراین باید جلوی نفوذ آن گرفته شود. بر این اساس، بهترین سیاست، سد نفوذ<sup>۱</sup> است. این سیاست زمانی اتخاذ می‌شود که نه امکان تنش‌زدایی با کشور مخالف و دشمن در شرایط عادی مطلوب است و نه از بین بردن و نابودی آن. پس سد نفوذ در جایی بین نابودی و همزیستی قرار می‌گیرد. در این شرایط، آمریکا دو گزینه در قبال ایران هسته‌ای دارد: بمباران یا تطمیع<sup>۲</sup> (ص ۱). بمباران ایران به دلیل پنهان‌بودن فعالیت‌های هسته‌ای آن، عدم وجود اطلاعات مشخص از تأسیسات و فعالیت‌های مرتبط و افزایش اقدامات هراس‌پروانه و مشکل تولید نفت، بهترین گزینه نمی‌باشد. (صص ۲-۳)

به عبارت دیگر، آمریکا نباید ایران را به تهدیدات سه‌گانه‌ای که در ابتدای این بحث اشاره شد، سوق دهد. تغییر رژیم در ایران و یا نابودی آن نیز بسیار زمان‌بر است. (ص ۱۰) تغییر سیاست آمریکا به واسطه سیاست سد نفوذ مقدور نیست؛ زیرا آمریکا نمی‌تواند در شرایطی که ایران به اقدامات و سیاست‌های ایدئولوژیک خود ادامه می‌دهد، اقدام به از سرگیری تجارت و

1. Containment

2. to bomb or to bribe

سرمایه‌گذاری عادی، برقراری روابط دیپلماتیک، خارج کردن ایران از محور شرارت و پایان زبان تغییر رژیم، نماید. (ص ۱۲۶) مذاکره مستقیم با ایران نیز با توجه به تأکید این کشور بر ان.پی.تی و فرایندهای قانونی دستیابی به چرخه سوخت در داخل، پیامدی جز موقعیت برتر آن ندارد. (ص ۳) بنابراین با توجه به شرایط کنونی، نویسندگان کتاب معتقدند که اقدامات هفت‌گانه زیر می‌بایست در دستور کار قرار گیرند: بی‌اعتباری مشروعیت برنامه هسته‌ای ایران به عنوان مدلی برای گسترش در خاورمیانه، افزایش هزینه‌های ایران و همسایگانش برای ترک یا نقض ان.پی.تی، حفظ همکاری با روسیه از طریق پیشنهاد همکاری سودمندتر با آمریکا، کاهش تولید نفت و گاز ایران و افزایش آسیب‌پذیری فرایندهای توزیع این کشور و ایجاد توانایی‌های حفاظتی در عربستان در شرایط حمله هراس‌پروران، کاهش آزادی ایران در تهدید کشتی‌های نفت و گاز بر اساس پیمان مونتروال<sup>۱</sup> برای غیرنظامی کردن تنگه هرمز و توافق برای تحدید برخوردهای احتمالی در دریا (در حال حاضر ۱۵ تا ۱۶ میلیون بشکه نفت در روز از تنگه هرمز می‌گذرد که حدود ۲/۳ تجارت نفت جهانی از طریق تانکر و ۲۰ درصد تقاضای نفت روزانه کل جهان از این تنگه انجام می‌پذیرد. محصولات نفت عراق، ایران، کویت، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی از تنگه هرمز می‌گذرد و آمریکا حدود ۲۵ درصد نفت خود را از تنگه هرمز تأمین می‌کند و خریداران آسیایی نفت خلیج فارس نظیر چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور در تأمین نفت‌شان وابسته به این تنگه می‌باشند.) (ص ۲۰۹)، انزوای ایران به عنوان تولیدکننده منطقه‌ای، حمایت از ابتکارات دیپلماتیک - اقتصادی با افزایش همکاری فزاینده ضد هراس‌پروری آمریکا و متحدانش، همکاری برای امنیت مرزهای دریایی و عدم گسترش هسته‌ای در خاورمیانه (صص ۴-۳). به عبارت دیگر، بازداشتن ایران از دستیابی به تنگه‌های، اولویت اصلی آمریکاست. اگر این اقدامات هفت‌گانه برای بازدارندگی مؤثر نباشند، امکان شکل‌گیری فضای جهانی همسو با سیاست‌های آمریکا در راستای کاهش هزینه‌های جانبی برای آمریکا و اسرائیل فراهم خواهد شد و این امر برای ایران، هزینه‌های بسیاری در پی دارد. (ص ۴)



## ۶. ارزیابی و جمع‌بندی: راهکارهایی برای مدیریت پرونده هسته‌ای ایران

بخش عمده‌ای از مباحث کتاب به تهدیدات سه‌گانه ایران هسته‌ای، تغییر معادلات امنیتی منطقه خاورمیانه و عدم گسترش هسته‌ای اشاره دارد و این نکته را مفروض گرفته که ایران به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است. بر همین اساس نیز نویسندگان عنوان آماده‌باش را برای کتاب انتخاب کردند. اما جمهوری اسلامی بارها در مجامع رسمی و بیانیه‌های مختلف اعلام نموده که این امر هیچ‌گاه به نفع ایران نخواهد بود و بهترین گزینه برای ایران تبدیل شدن به قدرت مطرح منطقه‌ای در شرایط فشار آمریکا و بازدارندگی تهدیدات فراملی است. در عین حال این واقعیت نیز وجود دارد که توان هسته‌ای ایران معادلات امنیتی منطقه را تغییر خواهد داد. ایران مؤلفه‌های جدی تبدیل شدن به قدرت برتر<sup>۱</sup> منطقه را دارد؛ ولی در اواخر جنگ سرد (یا جنگ سرد دوم) به واسطه جنگ تحمیلی و پس از آن به واسطه مشکلات داخلی ناشی از بازسازی و فشارهای منطقه‌ای آمریکا، امکان دستیابی به این موقعیت را نیافته است. کشورهای همسایه ایران به ویژه روسیه، پاکستان و ترکیه نیز به خوبی از این فرصت‌ها بهره‌مند شدند و در حال حاضر به شدت از عادی شدن رابطه ایران و آمریکا نگرانند. این وضعیت پیچیده راهبردی، حاکی از آن است که مؤلفه‌های قدرت و توان منطقه‌ای ایران در بلندمدت قابل چشم‌پوشی نیست. شاید در شرایط بدبینی، تردید و فشارهای آمریکا علیه ایران (به ویژه در زمان جنگ تحمیلی) بود که کشور ما به سمت توان هسته‌ای سوق یافت و اگر فشارهای بیشتری صورت گیرد، تحرکات ایران جدی‌تر خواهد شد و در این شرایط آمریکا نیز می‌بایست راهی بجز درگیری وسیع همانند عراق را بپذیرد. چنانکه امروزه پس از تجربه عراق، هم آمریکا و هم ایران از هزینه‌های این رویارویی به خوبی آگاهند.

در این شرایط به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت صحیح پرونده هسته‌ای باید اقدامات هفت‌گانه زیر را انجام دهد:

یک. تأکید بر مذاکره آشکار بر اساس پیمان ان. پی. تی.

دو. پرهیز از هرگونه سیاست اعلامی و اعمال تحریک‌کننده کشورهای منطقه.

سه. طراحی و انتشار سیاست امنیت منطقه‌ای در قبال همسایگان.

چهار. طراحی و اعلام آموزه دفاع موشکی.

پنج. طراحی و اعلام آموزه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای.

شش. تأکید بر چندجانبه‌گرایی در مذاکرات هسته‌ای.

هفت. پیوند، تداوم و انسجام سیاست‌های پیشین، کنونی و آینده که لازمه این امر تصمیم‌گیری

مبتنی بر عقلانیت راهبردی و درک شرایط است.

داود غریب‌زاد



ژرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی